

مقدمه

رسانه‌های تصویری، یکی از عوامل مؤثر در جامعه‌پذیر کردن افراد جامعه‌اند و کارکرد انتقال فرهنگ را به‌عنوان بخشی از کارکردهای متعدد خود بر عهده دارند. بدیهی است رسانه‌های گروهی در هر جامعه، متأثر از فرهنگ همان جامعه‌اند؛ اما در روند بازتولید فرهنگی، قادر به گزینش نیز هستند؛ گزینش اینکه چه عناصری از فرهنگ را به چه شیوه‌ای انتقال دهند. (فسایی و کریمی، ۱۳۸۴) سینما به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رسانه‌های مدرن در عصر حاضر، افزون بر اینکه به بازنمایی جامعه می‌پردازد، خود نیز الگوهایی را به جامعه ارائه می‌دهد. به دلیل تأثیرگذاری بالای این رسانه، این الگوها به‌سرعت در جامعه رواج می‌یابند. بسیاری از فیلم‌های سینمایی، خواه آشکار و خواه نهان، آکنده از گفتمان‌های جنسیتی است. اینکه ما به‌عنوان زن یا مرد کیستیم و در فضاهای مختلف چگونه باید رفتار کنیم، بخشی از فرهنگ جنسیتی است که توسط رسانه‌های مهم چون سینما، بازتولید می‌شود. شخصیت مرد دارای دو بعد فردی و اجتماعی است. بعد فردی، نگاهی صرفاً روان‌شناسانه به بحث است؛ اما در این پژوهش، بعد اجتماعی که نگاهی فرهنگی اجتماعی است، مدنظر می‌باشد. در بعد اجتماعی، هم حیثیت مرد به‌معنای عام آن و هم مرد در خانواده بررسی خواهد شد. مرد در خانواده دارای موقعیت‌ها و نقش‌های زیادی است؛ ولی موقعیت شوهر جهت بررسی در این پژوهش انتخاب شده است؛ زیرا با توجه به روایات و متون اسلامی، موقعیت شوهری بیشترین روایات را به خود اختصاص داده که این نشان‌دهنده اهمیت این موقعیت است. همچنین روایات زیادی ویژگی‌های مرد را در موقعیت شوهری بیان کرده است. در حوزه سینما نیز بیشتر فیلم‌های خانوادگی در بررسی شخصیت مرد، موقعیت شوهری را مطرح کرده‌اند و این موقعیت را با مشکلات و چالش‌هایی به تصویر کشیده‌اند. در این پژوهش تلاش بر آن است که شخصیت مرد در فرهنگ اسلامی - ایرانی بررسی گردد. در ادامه با نقد و تحلیل فیلم سینمایی «واکنش پنجم»، به بررسی بازنمایی الگوی شخصیت مرد در سینما پرداخته می‌شود. در پایان ویژگی‌هایی که در این فیلم به دست می‌آید، با فرهنگ اسلامی - ایرانی تطبیق داده خواهد شد.

شخصیت مرد در فرهنگ اسلامی - ایرانی

جامعه اسلامی ایران دارای فرهنگی مرکب از سه بخش اسلامی، ایرانی و غربی است که هیچ‌یک از آنها را نباید نادیده گرفت. فرهنگ ایرانی قدمتی به سابقه خود ایران دارد و اسلام بیش از ۱۴۰۰ سال است که با فرهنگ ملی ایران چنان عجین شده است که نمی‌توان آنها را از یکدیگر جدا کرد. چالش اصلی جامعه امروز ایران، نفوذ فرهنگ غربی به فرهنگ اسلامی - ایرانی است؛ (باغستانی، ۱۳۷۹، ص ۶۶) زیرا

الگوی شخصیتی مرد در فرهنگ اسلامی - ایرانی و انعکاس آن در سینما (تحلیل موردی: فیلم سینمایی واکنش پنجم)

سیدحسین شرف‌الدین* / کهر فوج‌الدین اسماعیلی**

چکیده

یکی از بهترین شاخص‌ها در ارزیابی عملکرد فرهنگی یک نظام، الگوهایی است که هر نظام یا فرهنگ از طریق تولیدات و محصولات فرهنگی، مثل فیلم‌های سینمایی ارائه می‌دهد. از مهم‌ترین الگوهایی که سینمای ایران می‌تواند به جامعه اسلامی ارائه دهد، الگوی شخصیتی مرد و زن مسلمان است. انتظار این است که سینما با واقعیاتی و شناخت برگرفته از فرهنگ اسلامی، به ارائه الگوی مناسب از شخصیت مرد یا زن پردازد.

هدف از این نوشتار، بررسی شخصیت مرد در فرهنگ اسلامی - ایرانی و تطبیق آن با فیلم سینمایی «واکنش پنجم» می‌باشد. بُعد اسلامی این فرهنگ، از متون دینی، و بُعد ایرانی آن از بررسی اشعار سعدی به‌دست آمده است. همچنین برای نمونه، فیلم سینمایی «واکنش پنجم» با روش تحلیل روایت و تحلیل رمزگان جان فیسک، تجزیه و تحلیل شده است. حاصل اینکه ویژگی‌های ارائه‌شده در این فیلم برای شخصیت مرد، نه تنها با فرهنگ اسلامی تطبیق ندارد، بلکه غالباً برخلاف آن است.

کلیدواژه‌ها: شخصیت مرد، فرهنگ اسلامی - ایرانی، شعر، سینما.

موارد تکراری‌ها حذف شد و همه مفاهیم تحت شش مقوله یا مفهوم کلی‌تر قرار گرفته است تا بتوان طبقه‌بندی درستی از آنها انجام داد.

جدول ۱. مفاهیم استخراج‌شده از آیات و روایات درباره شخصیت مرد

قوامیت	برطرف کردن نیازهای معنوی	برطرف کردن نیازهای عاطفی	برطرف کردن نیازهای اقتصادی	برطرف کردن نیازهای جنسی	آزار ندادن همسر
مرد؛ ریاست خانه	دعوت همسر به عبادات مستحبی	مهر و محبت بیشتر به بانو	دلبری بانو	پرداخت نفقه زن	الزام ارتباط جنسی، هر چهار ماه یک بار
برتری قدرت جسمی	تقوا	خوش رفتاری	رساندن خیر به دیگران	تأمین روزی حلال	درنگ کردن در برطرف کردن نیاز جنسی
تحت اختیار داشتن زن	تهمت نزدن	هدیه دادن	شادکردن بانو	دادن خرجی از دسترنج خود	پناهگاه زنش کمک به بانو در کار خانه
وسعت در زندگی	دین‌دار بودن	خوش‌زبانی	پاک‌دل		ناراحت نکردن بانو
امر به معروف و نهی از منکر	دعا کردن برای خانواده	خوش‌خویی	همدم زن بودن	عدم تصرف در اموال زن	اخم نکردن
نگهبانی و نگهداری از زن	پرهیزگاری	خوش‌اخلاقی	رفتار نیک با بانو	تأمین رفاه	در هم نکشیدن چهره
عدم ظلم به خانواده	داشتن عفت و حیا	مهربانی با بانو	گرامی داشتن همسر	خسب نبودن	طلاق ندادن
رفاه		سازگاری	نرم‌خو بودن	بخشنده بودن	سخت‌گیری بی‌جا نکردن
اصلاح امور زندگی	صبر و شکیبایی	اظهار علاقه به زن	میانه‌روی		غیر بی‌جا نداشتن
آموزش علم به خانواده	به دست آوردن قلب زن	کنار خانواده بودن (همشینی)	پرداخت مهریه زن		داد نزدن
آموزش ادب به خانواده	شفقت با خانواده	در هم نکشیدن چهره	وسعت در زندگی		گذشت از اشتباهات بانو
طلاق ندادن زن	صمیمیت با همسر	روابط حسنه	دست‌ودلباز بودن		بددل نبودن
تدبیر در امور زندگی	توجه به سلیقه بانو				ضایع نکردن

آنچه روشن است همه مفاهیمی که از روایات برداشت می‌شود، در یک سطح نیستند و باید مشخص گردد کدام یک اهمیت بیشتری دارند که بهتر بتوان از این ویژگی‌ها در بررسی و نقد فیلم‌های سینمایی بهره برد. به همین دلیل باید مفاهیم به‌دست‌آمده از روایات ارزش‌گذاری شود و مشخص شوند هر یک از مفاهیم چه جایگاهی دارند؛ کدام مفهوم واجب است؛ کدام یک مستحب و...؛ در این صورت می‌توان نگاهی نظام‌یافته به روایات داشت. *آیت‌الله مصباح* مباحث مربوط به زندگی اجتماعی انسان را به دو دسته تقسیم می‌کند: دسته اول مربوط به هست‌ها و نیست‌هاست؛ و دسته دوم مربوط به باید‌ها و نبایدها

در بسیاری از مواقع، فرهنگ غربی بر فرهنگ اسلامی - ایرانی غلبه یافته و متأسفانه اثرات بدی بر جای گذاشته است؛ حتی در مواقعی چنان نفوذ پیدا کرده است که به‌مرور زمان، مردم در فرهنگ خودی پنداشته‌اند که جزئی از فرهنگ اسلامی یا ایرانی است.

بعد از بعثت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اسلام به‌سرعت در ایران گسترش یافت و با استقبال مردمان این سرزمین مواجه شد. به‌مرور زمان، فرهنگ اسلامی بر تمام ابعاد زندگی مردم تأثیر گذاشت و حتی بسیاری از آداب و رسوم خرافی را که پیش از اسلام رواج داشت، از بین برد؛ اگرچه برخی از آداب و رسوم ایرانیان که با احکام اسلام تعارض نداشتند یا مورد تأیید اسلام بودند ادامه یافتند. بدین ترتیب، فرهنگی مرکب از این دو به وجود آمد که می‌توان آن را فرهنگ اسلامی - ایرانی نامید. البته فرهنگ اسلام، حاکم بر فرهنگ ایرانی است؛ ولی به‌مرور زمان، این دو چنان در هم ممزوج شده‌اند که در مواردی بازشناسی بعد اسلامی از بعد ایرانی این فرهنگ بسیار سخت به نظر می‌رسد. در این پژوهش، ما درصدد هستیم شخصیت مرد را در فرهنگ اسلامی - ایرانی بررسی کنیم. برای نشان دادن بعد اسلامی این فرهنگ، از متون دینی استفاده می‌کنیم؛ زیرا منبع اصلی این فرهنگ است. برای بررسی بعد ایرانی این فرهنگ نیز به بررسی اشعار سعیدی می‌پردازیم؛ چراکه ادبیات یک کشور، آینه تمام‌نمای فرهنگ آن کشور است. علت انتخاب این شاعر، افزون بر شهرتش، واقع‌گرایی اوست و با او می‌توان به فضای جامعه ایران راه یافت. سعیدی با نگاهی مردم‌شناسانه اشعارش را سروده است و به همین دلیل به موضوعات فرهنگی جامعه، همچون خانواده و شخصیت مرد و زن توجه داشته است. همچنین آثار سعیدی از واقعیت‌های روزمره زندگی مردم روزگار او الهام گرفته است و نقش‌آفرینان آن، طبقات مختلف مردم‌اند. در نتیجه، این پژوهش با بررسی متون اسلامی و اشعار سعیدی، فرهنگ اسلامی - ایرانی را بررسی خواهد کرد.

شخصیت مرد در متون اسلامی

آیات و روایاتی که درباره شخصیت مرد می‌باشد، در کتاب مشخصی جمع‌آوری نشده است. به همین دلیل، ابتدا با مراجعه به کتب مرجع، آیات و روایاتی که در زمینه وظایف و ویژگی‌های مرد می‌باشد، گردآوری شده‌اند. به‌گونه‌ای که بتوان ادعا کرد مرد در متون اسلامی از این ویژگی‌ها برخوردار است. به دلیل اینکه نقل آیات و روایات، در گنجایش این مقاله نیست تلاش شده است مفاهیم برداشت‌شده از آیات و روایات در جدول شماره ۱ منعکس شوند. حدود ۲۱۴ ویژگی از این منابع به دست آمد. با توجه به اینکه برخی از مفاهیم، توضیح یا مصداقی از مفاهیم دیگر بود،

احکام اخلاقی

اخلاق عبارت است از صفات خوب (فضایل) و بد (رذایل) یا ملکات نفسانی ناشی از آنها، که با افعال اختیاری انسان ارتباط دارد. (همان) آیت/الله مصباح می‌فرماید: «احکام اخلاقی یعنی احکامی که عقل انسان یا فطرت آدمی یا وجدان بشری ادراک می‌کند و با قطع نظر از دستور خدا یا انسان دیگر، برای آنان ارزش و اعتبار قائل است و انسان برای تحصیل آرامش وجدان، بدان‌ها تن می‌دهد». (مصباح، ۱۳۷۷، ص ۱۸) در نتیجه، در احکام اخلاقی ضمانت اجرای رسمی وجود ندارد. این احکام نیز بر دو قسم است: ۱. بایدها و نبایدهای الزامی؛ مانند امر به معروف خانواده که امری اخلاقی و الزام‌آور است، اگرچه ضمانت اجرای رسمی ندارد؛ ۲. بایدها و نبایدهای غیرالزامی مثل داشتن روابط حسنه با همسر که موجب می‌شود زندگی بهتر باشد و الزامی نیست.

احکام حقوقی

در هر نظام حقوقی، برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم و تأمین سعادت اجتماعی انسان، لازم است حدود تصرفات و فعالیت‌های هر فرد و گروهی، به صورت دقیق و قابل استناد تعریف شود تا از هرگونه تعارض و تعدی جلوگیری شود. بدین ترتیب، برای افراد و گروه‌ها امتیازات و قدرت‌های قانونی مشخصی اعتبار می‌شود که به هر یک از آنها، اصطلاحاً «حق» می‌گویند و مجموع آنها را حقوق می‌نامند. (خسروشاهی و دانش‌پژوه، ۱۳۸۱، ص ۱۶)

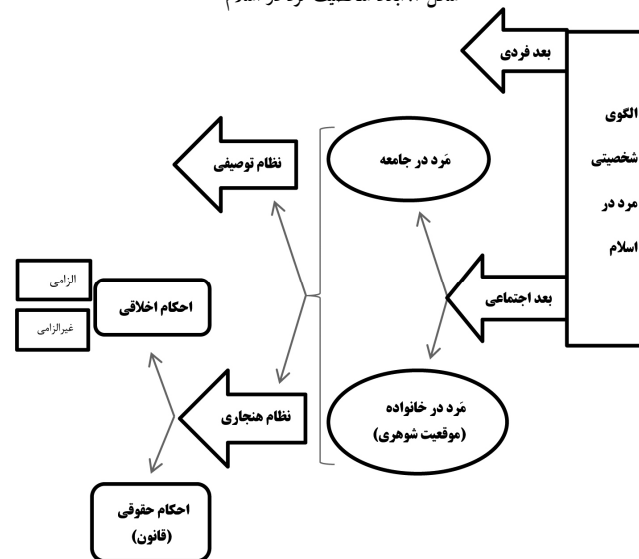
آیت‌الله مصباح، در تعریف احکام حقوقی می‌فرماید: «احکامی که برای تأمین مصالح دنیوی انسان‌ها توسط مقامی صلاحیت‌دار وضع می‌شود و ناظر به ارتباطات افراد یک جامعه با یکدیگر می‌باشد. این احکام باید ضامن اجرایی داشته باشد که معمولاً دولت است». (مصباح، ۱۳۷۷، ص ۱۸) از جمله اموری که می‌توان در خانواده مثال زد، پرداخت نفقه زن است که بر شوهر لازم است آن را تأمین کند و در صورت عدم تأمین آن زن حق شکایت برای گرفتن حق خود را دارد.

رابطه حقوق و اخلاق

حق با اخلاق رابطه‌ای بسیار نزدیک دارد؛ به این معنا که هرچه انسان در فضایل اخلاقی بیشتر رشد کند، حق جایگاه بهتری پیدا می‌کند. انسان بدون فشار قانون و عوامل خارجی، زمانی به حق خویش و رعایت حقوق دیگران راضی می‌شود که از سلامت نفس برخوردار بوده، خوی استکبار و خودخواهی نداشته باشد. بنابراین، حق و اخلاق دو مقوله به هم پیوسته‌اند که فقدان یکی موجب تزلزل دیگری

(مصباح، ۱۳۷۷، ص ۱۷) دسته اول را می‌توان نظام توصیفی نامید و دسته دوم را نظام هنجاری. نظام هنجاری خود بر دو قسم است: اخلاقی و حقوقی. نظام اخلاقی نیز خود بر دو قسم است: بایدها و نبایدهای الزامی (واجبات)؛ و بایدها و نبایدهای غیرالزامی (مستحبات). در شکل شماره ۱، این تقسیم‌بندی نشان داده شده است. پیش از طبقه‌بندی مفاهیم، به توضیح نظام توصیفی و هنجاری می‌پردازیم.

شکل ۱. ابعاد شخصیت مرد در اسلام



نظام توصیفی مرد

این نظام به پدیده‌هایی که در زندگی آدمیان واقع می‌شوند می‌پردازد و آنها را فقط از جهت تحقق و وقوعشان مطالعه و بررسی می‌کند و به حسن و قبح آنها کاری ندارد (همان) این نظام به توصیف واقعیت‌های شخصیت مرد در ابعاد گوناگون می‌پردازد. گزاره‌ها در این نظام به جنبه‌های «هست» و «نیست» می‌پردازند. (سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۹۸) برای نمونه، این گزاره که مرد عاقل‌تر و زن عاطفی‌تر است، در این نظام جای می‌گیرد.

نظام هنجاری مرد

نظام هنجاری مرد، مجموعه گزاره‌هایی است که به جنبه‌های ارزشی شخصیت مرد می‌پردازد و به حوزه «بایدها» و «نبایدها» مربوط می‌شود. حقوق و اخلاق، هر دو در حوزه ارزش‌ها قرار دارند و رفتارهای اختیاری انسان را تنظیم می‌کنند؛ (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۳۴) که جداگانه به تعریف آنان و همچنین رابطه میان آن دو خواهیم پرداخت.

بر اساس این تقسیم‌بندی، مفاهیم مربوط به هر کدام از این نظام‌ها در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. طبقه‌بندی ویژگی‌های شخصیت مرد در نظام اسلام

توصیفی	حقوقی	اخلاق (باید و نباید الزامی)	اخلاق (باید و نباید غیرالزامی)
مرد، رئیس خانه است	پرداخت نفقه زن	عفت	مهر و محبت بیشتر به بانو
زنان امانت الهی در دست مردان‌اند	الزام ارتباط جنسی، هر چهار ماه یک بار	امر به معروف	وسعت در زندگی (گشاده‌دستی)
مرد موجب آرامش زن است	کتک نزند	نهی از منکر	خوش رفتاری
مرد نگاهبان و نگهدار زن است.	تهمت نزند	پناهگاه زن	خوش اخلاقی
زن تحت اختیار مرد است	عدم تصرف در اموال زن	به دست آوردن روزی حلال	تقوا و پرهیزگاری
مرد همدم زن است	پرداخت مهریه زن	بدزبان نبودن (فحش ندادن)	هدیه آوردن
قدرت جسمی مردان بیشتر است	آزار ندادن بانو	خوش‌زبانی	اظهار علاقه به زن
عقل مردان بیشتر است	عدم ظلم به خانواده	مهربانی با بانو	هم‌نشینی و مصاحبت
ایمان مردان بیشتر است	عدم تکبر با خانواده	خسیس نبودن	بخیل نبودن
مرد غیرتمند است.	برطرف کردن نیاز جنسی بانو	صبر و شکیبایی	روابط حسنه
	خوار نکردن خانواده خود	هوشیاری در وظایف	گذشت از اشتباهات بانو
		اصلاح امور زندگی	قتاعت
		دین‌داری	خردمند بودن
		آموزش علم به خانواده	آموزش ادب به خانواده
		دعوت همسر به عبادات مستحبه	دانش و تربیت به ارث گذاشتن
		خیرش به دیگران برسد	بخشنده باشد
		شادکردن بانو	ناراحت نکردن بانو
		نرم‌خو بودن	دلبری بانو
		سازگاری	خوش‌خویی
		خرچی از دست رنج خودت	نشاط و سرزندگی
		رفاه	ول‌خرچی نکردن
		آراسته بودن	تمیز کردن موها و لباس‌ها
		ضایع نکردن نان‌خور خود	کمک به بانو در کار خانه
		شفقت با خانواده	صمیمیت با همسر (همدلی)
		داشتن زن پارسا	توجه به سلیقه بانو
		درنگ کردن در بر طرف کردن نیاز جنسی	دعا کردن برای خانواده
		به دست آوردن قلب زن	طلاق ندادن زن
		غیرت‌ورزی	در هم نکشیدن چهره
		سخت‌گیری بی‌جا نکردن	اخم نکردن
		باتقوا	

می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۴۷-۴۹) همانگونه که اخلاق می‌تواند یکی از منابع حقوق و همچنین پشتوانه و تکیه‌گاهی برای آن محسوب شود. (امید، ۱۳۸۱، ص ۱۷۴) اخلاق و حقوق، هرچند در مواردی تداخل دارند، تفاوت‌های اساسی نیز دارند.

احکام حقوقی تنها بر رفتارهای اجتماعی انسان‌ها نظارت دارد؛ ولی اخلاق شامل همه رفتارهای اختیاری آنها می‌شود؛ خواه رفتار اجتماعی، خواه فردی. (دانش‌پژوه و خسروشاهی، ۱۳۸۱، ص ۳۲) احکام حقوقی ضامن اجرای بیرونی دارند؛ یعنی نیرویی اجتماعی همچون دولت، مردم را به رعایت آنان الزام می‌کند و متخلفان و خاطیان را کیفر می‌دهد؛ ولی احکام اخلاقی چنین ضامن اجرایی ندارند و تنها ضامن اجرای درونی دارند. (مصباح، ۱۳۷۷، ص ۲۲)

بایدها و نبایدهای اخلاقی، کلی، ثابت و جاویدان‌اند اما بایدها و نبایدهای حقوقی - کم و بیش - دستخوش تغییرات و دگرگونی‌هایی می‌شوند. هدف حقوق، حفظ روابط اجتماعی است؛ ولی اخلاق وسیله ترمیم و تکامل فضایل انسانی است. (گلدوزیان، ۱۳۸۶، ص ۲۹)

البته باید به این امر توجه کرد که در نظام حقوقی اسلام، اهداف حقوقی نباید با اهداف اخلاقی، یعنی نیل به کمال انسانی تراحم داشته باشند؛ زیرا اسلام در ورای زندگی این جهان، به حیات اخروی قائل است و بر این اساس، یک نظام حقوقی ترسیم کرده که افزون بر بهبود بخشیدن اوضاع و احوال زندگی اجتماعی مردم، حقوق را در خدمت اخلاق گماشته است. (مصباح، ۱۳۷۷، ص ۴۴-۴۵)

در نتیجه می‌توان چنین گفت که در زندگی خانوادگی، اگر به جنبه حقوقی عمل شود بیش از یک زندگی خشک، خشن و محصور در چهارچوب حاصل نخواهد شد؛ و اگر فقط جنبه اخلاقی اجرا شود، حق افراد از بین می‌رود، اما اگر حکم قانون و عاطفه با هم اجرا شود، زندگی روح و صفای دیگری پیدا می‌کند و بهره کامل از آن به دست می‌آید. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۳۶)

نکته‌ای که در پایان این بحث باید به آن اشاره شود این است که اثبات حق برای یک طرف، مستلزم اثبات تکلیف برای طرف مقابل است؛ زیرا جعل حق برای یک نفر وقتی معنا دارد که دیگران ملزم و مکلف به رعایت این حق، محترم شمردن آن و عدم مزاحمت در بهره‌وری از آن باشند و گرنه جعل حق بی‌فایده خواهد بود. پس حق و تکلیف، ملازم یکدیگرند و با هم جعل می‌شوند. البته ممکن است جعل صریح به یکی از این دو تعلق بگیرد؛ اما به‌هرحال، لازمه‌اش جعل آن دیگری هم هست. (همان، ص ۳۳-۳۴) بنابراین، این حق و تکلیف در میان زن و شوهر نیز جاری است و حق یکی از آنها منجر به تکلیفی، هم برای خودش، هم برای دیگری می‌شود.

بررسی شخصیت مرد در اشعار سعدی

هر جامعه به وسیله تفاوت‌ها و تمایزهایش با دیگر جوامع شناخته می‌شود. این ویژگی، مقطعی نیست و در گذر تاریخ و بستر جغرافیایی تداوم دارد. باورها و ارزش‌های مشترک و میراث علمی و ادبی و مانند آنها قادرند انسجام یک ملت را تقویت کنند و استقلال فرهنگی و فرهنگ فرزاندانی آنان را پررنگ‌تر سازند؛ اما این توانایی‌ها باید به وسیله خلاقیت‌ها و تولیدات علمی و فکری نسل‌های هر عصری صیانت، شکوفا و شکوهمند گردد و احیاناً اصلاح، پالایش و پیرایش شود. پس از بعثت پیامبر ﷺ و نفوذ اسلام در ایران، ایرانی بودن چنان در درون فرهنگ و تمدن اسلامی مطرح شد و با مسلمانی درآمیخت که جدا کردن آن دو از یکدیگر ناممکن است؛ حتی رسم‌های کهن، همچون عید نوروز، با توجه به باورهای مذهبی استمرار یافت. در همین مقطع تاریخی، دانشمندان و اندیشمندان به تدوین انواع علوم اسلامی و غیر آن پرداختند و در ساخت تمدن اسلامی، نقش بارزی را بر عهده گرفتند. در همین مقطع، ادبیات ایرانی نیز صبغه‌ای دینی و ارزشی به خود گرفت. به عبارت دیگر، ادبیات فارسی را می‌توان جلوه‌ای از فرهنگ ایرانی دانست. ادیبان و سخنوران در چند قرن نخست پس از ظهور و گسترش اسلام در ایران، به فرهنگ ایرانی و حتی سرگذشت‌ها و داستان‌های پیش از اسلام توجه داشتند و می‌کوشیدند آن لطایف و نکته‌های تاریخی و گزارش زندگی قهرمانان دوران باستان را به مسیری سوق دهند که از مطالعه آنها تعالیم اخلاقی و ارزش‌های انسانی ترویج شود. (گلی زواره، ۱۳۸۶)

از جمله شاعران معروف و بی‌بدیل که شهرتش قلمرو وسیعی از تمدن اسلامی و جهانی را درنوردیده، شیخ اجل مصلح‌الدین سعدی شیرازی (حدود ۶۰۶-۶۹۰ق) است. در این بخش برای نشان دادن فرهنگ ایرانی، آثار سعدی بررسی می‌شود تا مشخص شود که سعدی، شیخ شیراز و معلم اخلاق، در تمام آثارش درباره مرد چه می‌گوید. رهبر فرزانه انقلاب که با فرهنگ جامعه ایران آشنایی کامل دارند درباره سعدی و آثارش می‌فرمایند: «بی‌شک، سعدی یکی از پایه‌های بنای استوار ادب فارسی، و محصول شعر و نثر او تشکیل‌دهنده یکی از برزنده‌ترین اندام‌های پیکره شکوهمند فرهنگ کنونی ماست. امروز می‌توان زیباترین گل‌های اندیشه بشری را در گلستان مصفای نظم و نثر او جست و یافت.» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۶۳/۹/۴)

بعد از بررسی کلیات سعدی که شامل ده باب از بوستان سعدی و ۶۱۷ غزل، ۱۴۶ رباعی و ۲۰ قطعه بود، ۲۳ ویژگی برای شخصیت مرد مشخص شد که به قرار ذیل است:

۱. قوامیت مرد؛ ۲. غیرت؛ ۳. صبر و تحمل؛ ۴. شجاع بودن؛ ۵. توانایی در برطرف کردن نیازهای

جنسی بانو؛ ۶. آزار ندادن بانو؛ ۷. رفاه (کشایش و آسایش)؛ ۸. روابط حسنه (دعوا نکردن)؛ ۹. نهی از منکر؛ ۱۰. مراقبت از بانو؛ ۱۱. دل‌بستگی به بانو (عدم دل‌بستگی به دیگری)؛ ۱۲. خنده‌رو بودن؛ ۱۳. عشق و فداکاری؛ ۱۴. بخیل نبودن؛ ۱۵. دوست داشتن یکدیگر؛ ۱۶. سازگار بودن با یکدیگر؛ ۱۷. همدل بودن؛ ۱۸. همدم بودن؛ ۱۹. داشتن زن فهیم؛ ۲۰. داشتن زن پاک‌دل؛ ۲۱. داشتن زن پارسا؛ ۲۲. قدرت جسمی؛ ۲۳. بیشتر بودن ایمان مردان.

بررسی شخصیت مرد در سینما

همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد، شخصیت مرد دو بعد فردی و اجتماعی دارد که این مقاله، بعد اجتماعی شخصیت مرد مدنظر است. به همین دلیل، فیلم سینمایی موردنظر از ژانر اجتماعی انتخاب شده است. برای تحلیل فیلم، ابتدا به منظور مشخص شدن روایت فیلم و بهتر شدن سطح تحلیل، از تحلیل روایت استفاده می‌شود؛ سپس از روش تحلیل رمزگان جان فیسک برای واکاوی معانی فیلم استفاده می‌گردد؛ زیرا از نظر او تحلیل رمزگان به ما کمک می‌کند تا به لایه‌های معانی آشکار و ضمنی رمزگذاری شده در فیلم‌ها شناخت پیدا کنیم. طبق دیدگاه فیسک، رمزها دارای سه سطح هستند:

۱. واقعیت

واقعه‌ای که قرار است از تلویزیون پخش شود، پیشاپیش با رمزهای اجتماعی رمزگذاری شده است؛ مانند: ظاهر؛ لباس؛ چهره‌پردازی؛ محیط؛ رفتار؛ گفتار؛ حرکات سر و دست، صدا. (فیسک، ۱۳۸۶)

۲. بازنمایی

رمزهای اجتماعی را رمزهای فنی به کمک دستگاه‌های الکترونیکی رمزگذاری می‌کنند. برخی از رمزهای فنی، موسیقی، تدوین، گفت‌وگو، شیوه رفتار بازیگر است. (همان)

۳. ایدئولوژی

رمزهای ایدئولوژی، عناصر یادشده را در مقوله‌های «انسجام» و «مقبولیت اجتماعی» قرار می‌دهند. (همان)

به عبارت دیگر، واقعه‌ای که قرار است به فیلم سینمایی تبدیل شود، قبلاً با رمزهای اجتماعی رمزگذاری شده است (سطح واقعیت)؛ و برای اینکه به لحاظ فنی قابل پخش باشد، از فیلتر رمزهای فنی می‌گذرد (بازنمایی)؛ و به وسیله رمزگان ایدئولوژیک، در مقوله‌های انسجام و مقبولیت اجتماعی قرار

می‌گیرد (ایدئولوژی). فیسک می‌گوید: طبقه بندی این رمزها، بر اساس مقوله‌هایی دل‌خواه و انعطاف‌پذیر صورت گرفته است. (همان)

تحلیل فیلم واکنش پنجم

معرفی فیلم

نویسنده و کارگردان: تهمینه میلانی

تهیه‌کننده: محمد نیک‌بین

سال تولید: ۱۳۸۱

بازیگران اصلی: جمشید هاشم‌پور، نیکی کریمی، مریلا زارعی، شهاب حسینی.

خلاصه فیلم

فرشته، دبیر یکی از دبیرستان‌های تهران، شوهر خود را که به شدت به او علاقه داشت، از دست می‌دهد. حاج‌صفدر، پدرشوهر او که مردی مقتدر است و از ابتدا با ازدواج او و پسرش مخالف بود، بعد از فوت پسرش به فرشته پیشنهاد می‌دهد که با پسر دومش ازدواج کند؛ در غیر این صورت، تربیت فرزندان بهترین پسرش را خودش بر عهده خواهد گرفت و او باید به خانه پدر خود برود. فرشته ازدواج با سعید را قبول نمی‌کند و حاج‌صفدر برخلاف قانون، حضانت فرزندان پسرش را بر عهده می‌گیرد و آنها را از مادرشان جدا می‌کند. فرشته درمی‌یابد که پدرشوهرش قصد دارد فرزندان او را نزد عمه‌شان بفرستد. فرشته می‌خواهد اقدام قانونی کند، اما زمان کافی برای رسیدگی به پرونده شکایت او وجود ندارد. بنابراین، هنگام تعطیلات آخر هفته، بچه‌ها را با همیاری چهار نفر از دوستان خود، به خارج از شهر می‌برد. حاج‌صفدر با نفوذ خود، فرشته را تعقیب می‌کند. یک لشکر مرد، در برابر لشکری از زنان قرار می‌گیرد و بازی تعقیب و گریز، در بوشهر تمام می‌شود و حاج‌صفدر فرشته را در آن شهر پیدا و زندانی می‌کند. زیرمدینه که زنی سرشناس در بوشهر و زجرکشیده است، مقابل حاج‌صفدر می‌ایستد. در پایان حاج‌صفدر قبول می‌کند فرشته به خانه برگردد و پیش فرزندان خود باشد؛ ولی با شرط و شروطی.

تحلیل روایت

هر روایت و داستانی، بیش از هر چیز، آغاز و فرجامی دارد که این آغاز و فرجام، هر داستانی را از

جهان عینی و داستان‌های دیگر جدا می‌کند. در هر روایت و داستانی، اتفاق‌های کوچک و بزرگ به وجود می‌آید. رعایت اصل زیباشناختی به نویسنده اجازه نمی‌دهد که همه این رخدادها را بیان کند یا به تصویر بکشد؛ بلکه نویسنده یا کارگردان در حد بین آغاز و پایان هر روایت، رویدادهایی را برمی‌گزیند. (محمدی و عباسی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۹) هر روایت از پنج عنصر تشکیل شده است: ۱. پاره ابتدایی؛ ۲. نیروی تخریب‌کننده؛ ۳. پاره میانی؛ ۴. نیروی سامان‌دهنده؛ ۵. پاره پایانی. سیر روایت داستان، در شکل شماره ۲ نشان داده شده است.

شکل ۲. سیر روایی فیلم واکنش پنجم

۲. نیروی تخریب‌کننده

تصمیم حاج‌صفدر برای بیرون کردن فرشته و گرفتن فرزندان

۵. پاره پایانی

زندانی کردن فرشته توسط حاج‌صفدر و گفت‌وگوی پایانی با فرشته در زندان و گذاشتن شرط دوباره

۱. پاره ابتدایی

صحبت شخصیت‌ها درباره خانواده و بررسی مشکلات خود با دوستانشان

۳. پاره میانی:

داستان فرار فرشته و تعقیب و گریز حاج‌صفدر و عروسش تا بوشهر

۴. نیروی سامان‌دهنده:

پیدا کردن فرشته در بوشهر

تحلیل رمزگان جان فیسک

رمزگان اجتماعی

از آنجا که کاربرد رمزهای اجتماعی، نظیر وضع ظاهر، لباس، محیط، رفتار، گفتار و صدا به این صورت است که به رمزگذاری رویداد ارتباطی کمک می‌کنند تا هنگام پخش، واقعی به نظر برسد، در فیلم «واکنش پنجم» از رمزهای لباس، محیط و زبان به‌منظور واقع‌گرایی استفاده شده است. به دلیل عزادار بودن شخصیت فرشته و حاج‌صفدر، از لباس مشکی استفاده شده که این رمز در فرهنگ اسلامی - ایرانی، رمزگذاری شده است. همچنین استفاده مردم بوشهر از لباس مخصوص خودشان، به واقع‌گرایی

فیلم کمک کرده است. محیط‌های مورد استفاده، از جمله داخل رستوران، گاراژ حاج‌صفدر و شهر بوشهر، همچنین استفاده بوشهری‌ها از زبان و لهجه خود، فیلم را به واقعیت نزدیک کرده است. در کل، در این فیلم به رمزگان اجتماعی توجه شده است.

رمزگان فنی

گفت‌وگوها (دیالوگ‌ها)

توهین شوهر به همسرش

در این فیلم، نحوه صحبت کردن شوهر با همسرش نیز بسیار زشت و توهین‌آمیز است و این شخصیت مرد، با اینکه فردی شیک‌پوش و کراوات‌زده است، افکاری همچون افکار حاج‌صفدر دارد. در صحنه‌ای که شخصیت‌های زن در رستوران نشسته‌اند و شوهر ترانه با منشی خود وارد رستوران می‌شود و چشمش به ترانه می‌افتد، ترانه در پیش دوستانش، با احترام با حسین (شوهرش) صحبت می‌کند؛ ولی حسین با کمال بی‌احترامی، همسرش را در پیش دوستانش خجالت‌زده می‌کند و شأن اجتماعی او را حفظ نمی‌کند.

«ترانه: سلام حسین جان! همکارام رو که می‌شناسی. دیگه نیاز به معرفی نیست.

حسین: اینجا چه کار می‌کنی؟

ترانه: یعنی چی؟

حسین: گفتم این وقت ظهر اینجا چه کار می‌کنی؟

ترانه: خب عزیزم، دارم نهار می‌خورم

حسین: با اجازه کی؟

ترانه: مگه دفعه اولمه که با همکارام میام بیرون؟

حسین: راه بیفت؟

ترانه: کجا؟

حسین: معلومه کجا؛ خونه.

ترانه: حسین! نمی‌فهمم این کارها یعنی چی؟

حسین: واقعاً نمی‌فهمی من چی می‌گم؟

ترانه: نه.

حسین: پس خنگم شدی! (با فریاد)

ترانه: این چه طرز حرف زدنه؟

حسین: یعنی من حق ندارم از شما سؤال کنم که این وقت روز، برای چی شما علافید؟ چرا سر خونه زندگیتون نیستید؟ چرا سر کارتون نیستید؟ (با داد و فریاد)

ترانه: اگر کسی قرار باشه بپرسه، من باید بپرسم که شما این وقت روز با منشیتون چه کار می‌کنی که نمی‌پرسم اون وقت تو جلوی دوستانم...

حسین: چشمت به دوستات افتاده، شیر شدی؟ راه بیفت. (با فریاد)

صاحب رستوران: مشکلی پیش اومده؟

حسین: به شما مربوط نیست. همین‌که اینجا رو پاتوق کردید برای چند تا زن بی‌مسئولیت، به حد کافی برای خودتون دردسر درست کردید.

صاحب رستوران: توهین نکنید آقا! اینجا یک مکان آبرومنده.

حسین: بله، خیلی هم آبرومنده! از مشتریانتون پیداست. (با فریاد)

صاحب رستوران: توهین نکنید آقا!

در این صحنه ابتدایی فیلم، چنان مخاطب از مرد و مردان متفر می‌شود که تا آخر فیلم با چشم تنفر به مردان نگاه می‌کند؛ درحالی‌که زنان با آرامش و مظلومانه نشسته‌اند و این بی‌احترامی‌ها را تحمل می‌کنند که بعداً متوجه می‌شویم جامعه و قوانین باعث شده است که آنان جرئت حرف زدن نداشته باشند.

خودخواهی و بی‌عاطفه بودن مردان

از دیگر مطالبی که در صحنه به صحنه این فیلم بر آن تأکید می‌شود، بی‌مهری و بی‌عاطفه بودن مردان است؛ چنان‌که در دیالوگ بالا بین ترانه و شوهرش نیز مشخص بود. اما بی‌عاطفه بودن و لجاجت‌بازی حاج‌صفدر بسیار اغراق‌آمیز است. خشونت و بی‌رحمی حاجی در مواجهه با گریه‌ها و لابه‌های دل‌سوز فرشته، می‌خواهد به مخاطب بفهماند که لجاجت و بی‌عاطفگی مردان بیش از آن است که بتوان تصور کرد. برای نمونه، در صحنه‌ای که حاج‌صفدر می‌خواهد فرشته را از پیش دوستانش ببرد، گفت‌وگویی رد و بدل می‌شود:

«حاج‌صفدر: یک هفته از مدتت مونده. بعدش باید برگردی خونه پدرت.

فرشته: اونا برای ما جا ندارند.

حاج‌صفدر: برای ما نه برای تو. نکنه فکر کردی می‌ذارم جگر گوشه‌هام رو ببری توی اون خراب‌شده؟ چیزی عوض نشده. فکر کن زن آقاسعید نشدی! قبلش هم که توی همون خونه بودی.

فرشته: من از سعید دو تا پسر دارم.

حاج صفدر: همیشه اون دو تا پسرای تو هستند؛ ولی ما توی در و همسایه آبرو داریم. تو شوهر نداری؛ سر کار می‌ری؛ با رفقات قرار می‌ذاری. دو تا پسر مجرد توی خونه من هست. نه، با این وضع نمی‌شه ادامه داد.»

اگر به این دیالوگ دقت کنیم، متوجه می‌شویم که فیلم چگونه مردان را بی‌عاطفه نشان می‌دهد که حتی مادر بودن یک زن را نیز نمی‌تواند درک کند و به‌راحتی می‌گوید که فکر کن با سعید ازدواج نکردی؛ و مرد آن‌قدر لج‌باز است که با التماس زن حتی حاضر نیست مدتی به فرشته فرصت دهد شانس خود را برای بزرگ کردن فرزندان امتحان کند. برای همین، وقتی فرشته با بچه‌ها فرار می‌کند حاضر است تمامی مردان تحت حکومت خود را بسیج کند تا حرف خود را به کرسی بنشانند و قانون خود را که خلاف قانون کشور است، به اجرا بگذارد. همچنین در پایان فیلم می‌بینیم حاج‌صفدر که نوه‌های خود را جگرگوشه‌های خود می‌خواند همچنان بی‌رحم و خودخواه است و بی‌توجه به گریه‌های نوه‌های خود، فرشته را روانه زندان کرده است.

جالب آنکه فرشته، با اینکه این‌همه به او بی‌مهری شده، وقتی می‌فهمد سر حاج‌صفدر شکسته و بخیه خورده است، باز هم دلش می‌سوزد و چند بار به ترانه می‌گوید بپرسد حال حاج‌صفدر چگونه؟ یعنی این دعوا نیز موجب از بین رفتن مهر و محبت ذاتی زنان نمی‌شود؛ ولی مردان ذاتاً بی‌مهر و محبت آفریده شده‌اند.

وجود نداشتن مرد خوب

در این فیلم، با مردان زیادی مواجه می‌شویم. حاج‌صفدر مردی خشن و بی‌مهر و محبت نشان داده شده است که در جاهای مختلف تحلیل فیلم، به آن پرداخته می‌شود. برادر فرشته که وجودش در فیلم بی‌معنا و بی‌مورد است، مردی ساده و تسلیم قضا و قدر است و دائم به فرشته گوشزد می‌کند که قدرت حاجی را نادیده نگیر؛ حتی وقتی فرشته با او درددل می‌کند و از او کمک می‌خواهد، او را دیوانه خطاب می‌کند و می‌گوید «تو قاطی کردی فرشته!» ورود و خروج او در داستان نیز گنگ و نامفهوم است و در آخر هم نفعی برای خواهرش ندارد و نمونه مردانی خنثی در جامعه است. مجید، پسر دوم حاج‌صفدر، اگرچه از پدرش ناراضی است، جرئت حرف زدن ندارد و در به دام انداختن فرشته نیز به پدرش کمک می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، برادر فرشته و پسر دوم حاج‌صفدر مردانی مرعوب‌اند. شوهر ترانه هم به‌ظاهر امروزی است؛ ولی در افکار و رفتار خود، مردی خشن و مستبد، مثل حاج‌صفدر است؛

چنان‌که ترانه در صحنه‌ای به حاج‌صفدر می‌گوید: «شما مثل شوهر من هستید.» نسرین نیز از شوهرش که یک آزاده جنگ است، گلایه دارد. صحبت‌های نسرین به‌گونه‌ای نشان داده می‌شود که گویی فقط زنان این‌بارگر و از خودگذشته‌اند. او در دیالوگی می‌گوید: «دوازده سال منتظر به اسیر جنگی بودم که به اندازه نوک سوزن نمی‌شناسمش. ناصر اون مردی نبود که من و بچه سه‌ساله‌اش رو گذاشت و رفت. نه فقط من، پسر هم باهاش غریبه است. دوازده سال یه پسر بچه‌رو به دندان کشیدم. خودم رو از چشمای ناپاک دور کردم. هم پدر بودم، هم مادر. آخرش که چی؟ شده این. وقتی رفت، عاشقش بودم؛ یه خلبان خوش تیپ، مهربون. چه جور بگم؟ ناصر عوض شده درد اصلی من اینه که می‌شینم یه گوشه‌ای و به من زل می‌زنه و هزار تا فکرای عجیب و غریب و هزار تا سؤال‌های نامربوط. آخه من که فقط خودم نیستم که تصمیم بگیرم. منم و انسانیت؛ منم و اخلاق اجتماعی...». در نتیجه شوهر نسرین نیز فردی شکاک است.

مرد دیگر این داستان، شوهر فریده است که او نیز مردی بی‌مسئولیت و تریاکی نشان داده می‌شود. مردی که یک سال به خانه نیامده و زنی گرفته که هم‌سن دخترش است. جالب این است که فریده در دیالوگی می‌گوید: «من گله‌ای از بختم ندارم. تا بوده، همین بوده.» زنان از آنجا که می‌دانند در نهایت مردان همیشه طوری رفتار می‌کنند که زنان مقصر ماجرا باشند، و چون همه‌چیز در زندگی، از مال و فرزند، به اسم شوهر است، به همه‌چیز تن می‌دهند و اعتراضی ندارند. جالب‌تر وقتی است که همه آنان به دلیل قانون‌های موجود در کشور، راضی به طلاق نیستند؛ زیرا همه قوانین را نیز به ضرر خودشان می‌دانند و مجبورند بسازند و زندگی کنند. مریم هم که شوهر ندارد، مجبور شده است بچه‌های برادرش را بزرگ کند. در دیالوگی، فریده به مریم چنین می‌گوید: «مریم جون! برو خدا رو شکر کن که شوهر نکردی. سر خودت و همسر خودت؛ آدم خودتی و نوکر خودت. ناز هیچ گداگشنه‌ای رو برای یک لقمه بامنت نمی‌کشی؛» و آشکارا به مردان این سرزمین توهین می‌کنند. مرد دیگر فیلم، شوهر پیمان (سیاوش) است. وکیل آنها در دیالوگی به‌خوبی این مرد را توصیف می‌کند؛ زمانی که وکیل خطاب به فرشته می‌گوید: «امیدوارم که پدرشوهرت از اون مردایی نباشه که بخواد از حق قانونی خودش دفاع کنه؛ یه آدمی باشه مثل سیاوش.» در این دیالوگ نشان داده می‌شود مرد خوب، مردی است که کاری به حق و حقوق قانونی خود نداشته باشد. رانندگان کامیون نیز نمایانگر لایه دیگری از مردان هستند که دو زن بی‌پناه (به قول یکی از مردان فیلم، دو فناری) را در وسط بیابان به دام می‌اندازند و البته به‌واسطه پلیدی حاصل از مرد بودن، قصد تعرض به آنها را دارند. مرد دیگر این داستان، پدر ترانه است. ترانه، در دیالوگی که بین او و فرشته اتفاق می‌افتد، می‌گوید: «پدر من هم عین پدرشوهر تو بود؛ یک آدم

دیكتاتور و لجباز که همش می‌گفت: من صلاح تو رو می‌خوام. وقتی دانشگاه تربیت معلم قبول شدم، به روز حسین و پدرش اومدند خونمون. پدرم گفت: هر دو تاتون توی یک شهر دانشگاه می‌رید؛ زن و شوهرهای خوبی می‌شید!».

تنها دو مرد مثبت در فیلم هست. یکی شوهر دوست زنان در مزرعه پرورش اسب است. البته این محاسن بی‌دلیل هم نیست؛ چون او در فرنگ تربیت شده است؛ وگرنه فرهنگ کور و متعصب اینجا، او را نیز همچون دیگر مردان، ظالم و خشن به بار می‌آورد؛ چنان‌که حاج‌صفدر نیز این امر را تأیید می‌کند و به او می‌گوید: ما با یکدیگر تفاوت فرهنگی داریم. مرد مثبت دیگر، شوهر فرشته است که فوت کرده است و جز نشان دادن عکسی از او هیچ چیزی درباره او گفته نمی‌شود. نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که مرد خوب نداریم و اگر هم داریم، در این فرهنگ بزرگ نشده یا زیر خاک است و وجود خارجی ندارد. این فیلم، چنان مردان را بی‌رحم نشان می‌دهد که هر بیننده‌ای برای وجود چنین مردانی در جامعه تأسف می‌خورد.

نداشتن غیرت درست

این فیلم با ارائه تناقضاتی، تصویر خوبی از معنای غیرت نشان نمی‌دهد. برای نمونه، وقتی حاج‌صفدر فرشته را به دوستانش می‌رساند، گفت‌وگویی انجام می‌شود:

«حاج‌صفدر: غیرتم قبول نمی‌کنه که سوار ماشین غریبه بشی.

فرشته: من قبلاً هم سوار تاکسی شدم.

حاج‌صفدر: بعداً هم می‌تونی. وقتی برگردی خونه پدرت. می‌تونی هر چقدر دلت خواست با دوستات و رفقات قرار و مدار بذارید؛ اما خونه من قانون داره. یادت باشه تو زن پسر من بودی و...

فرشته: هنوز هم هستم.

حاج‌صفدر: نیستی. عقد تو باطله و تو توی خونه من نامحرم.»

در این دیالوگ، این نکته به‌راحتی فهمیده می‌شود که غیرت حاجی بیشتر برای آبروی خودش است. از سوی دیگر، حاج‌صفدر در گفت‌وگویی با ترانه (زن حسین) از غیرتش صحبت می‌کند:

«حاج‌صفدر: یه فوتت کنم که افتادی.

ترانه: فوت کنی ببینم.

حاج‌صفدر: اون وقت جواب شوهر تو چی بدم؟

ترانه: بگید فوت کردم افتاد.

حاج‌صفدر: نه؛ تمرین کردی صدات خوب شده. (حاجی چند قدم به جلو می‌رود و می‌گوید): قلد این حرف‌ها نیستی.

ترانه: جلو نیا؛ به من دست نزن.

حاج‌صفدر: به تو دست نزنم؟ به تو؟ من خودم افتادم توی جاده که کسی به عروسم دست نزنه. کاش غیرت حاج‌صفدر گیرت می‌افتاد تا از زن بودندن پشیمون می‌شدی.

ترانه: واقعاً که شما هم عین شوهر من می‌مونی.

حاج‌صفدر: بی‌خودی کلاس نذار. اگر شوهرت عین من بود، وسط جاده چه کار می‌کنی؟

حاج‌صفدر که غیرتش اجازه نمی‌دهد عروسش سوار تاکسی شود، برای پیدا کردن آنها عکس عروسش را بین همه کامیون‌دارها پخش می‌کند تا او را پیدا کند و فرزندانش را از او بگیرد. او که با آمدن عروسش به محل کارش غیرتی و شرمنده می‌شود، در گفت‌وگو با ترانه که زنی نامحرم است به چشمانش خیره می‌شود و حرف‌های نامربوط می‌زند. در جایی هم به ترانه می‌گوید: شوهرت اگر عین من بود، توی جاده چه کار می‌کنی؛ درحالی‌که عروس خودش هم در جاده‌ها آواره است و این آوارگی، ثمره همین غیرت حاج‌صفدر نشان داده می‌شود. این در حالی است که خودش هم اعتراف می‌کند که غیرت حاج‌صفدر کاری می‌کند که از زن بودندن پشیمان بشی. کارگردان تلاش کرده است به هر طریق ممکن، حتی با گفتن تناقضاتی، غیرت‌ورزی مرد را چیزی بیهوده نشان دهد که ثمره‌ای هم ندارد. تناقض دیگر در مورد شوهر ترانه است که از یک‌سو به دلیل نشستن ترانه در رستوران با همکارانش که همگی زن هستند، چنان دعوایی راه می‌اندازد که به شکایت و دادگاه می‌کشد؛ ولی از سوی دیگر، ترانه بی‌حجاب است؛ سر کار می‌رود و فرشته را تا شیراز می‌رساند و تنها برمی‌گردد، بدون اینکه مرد حرفی بزند و اعتراضی داشته باشد. واقعاً غیرت‌ورزی که اسلام گفته، در چه چیزی است. اینکه زن بد حجاب به محیط عمومی بیاید، عیبی ندارد، ولی اگر در تاکسی عمومی بنشیند اشکال دارد؟ در اسلام درباره غیرت دو مطلب وجود دارد: مطلب اول داشتن غیرت برای مردان است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «آیا شرم نمی‌کنید و غیرت ندارید که زنان شما به بازارها می‌روند و با بی‌زاکت‌ها درهم می‌آمیزند؟» (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۲۳۷) مطلب دوم سخت نگرفتن و بددل نبودن است. حضرت علی علیه السلام بر این مطلب نیز تأکید می‌فرماید: «از غیرت نشان دادن بی‌جا بپرهیز که زن سالم را به فساد می‌کشاند و پاک‌دامن را به آلودگی سوق می‌دهد». (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۳۰۰) در نتیجه، مرد علاوه بر اینکه باید غیرت داشته باشد، نباید سخت‌گیری کند.

۳.۲. بازیگران الف. نام بازیگران

در فیلم «واکنش پنجم»، تفاوتی که میان نام شخصیت‌های مرد و زن، کاملاً معنادار است. شخصیت اول مرد، حاج صفدر نام دارد. که صفدر در لغت به معنای قوی و شجاع است. (معین، ۱۳۸۴، ص ۵۴۱) این معنا با نقش او در فیلم که فردی قلدر نشان داده شده است، مطابقت دارد. حسین نیز که اسم امام سوم شیعیان می‌باشد، برای شخصیتی به کار رفته که در این فیلم فردی خشن و بد اخلاق است. در این فیلم برای شخصیت‌های اصلی مرد نام‌های مذهبی گذاشته شده است. صفدر لقب امام علی علیه السلام، مجید صفت خداوند، و حسین نیز اسم امام سوم شیعیان است. متأسفانه کارگردان با پیوند اسامی مذهبی با شخصیت‌های مرد که شخصیت‌های منفی داستان نیز هستند، به گونه‌ای می‌خواهد نشان دهد که این افراد خشن و زورگو، افرادی مذهبی در جامعه ایران هستند و منشأ این رفتارها و ظلم و ستم آنها، دین و مذهب آنان است. جالب اینجاست که در این فیلم برای صاحب مزرعه که مردی خوب است، نام فرهاد انتخاب شده است که نامی کاملاً غیر مذهبی است. از سوی دیگر، نام‌هایی که برای شخصیت‌های زن انتخاب شده است مذهبی نیست. انتخاب فرشته، برای شخصیت اول زن فیلم کاملاً معنادار است و همان گونه که این شخصیت در فیلم، فرشته‌گونه به تصویر کشیده می‌شود، نامش نیز بر آن تأکید می‌کند. البته کارگردان در فیلم‌های دیگر خود نیز برای این شخصیت (نیک‌کریمی) نام فرشته را انتخاب کرده است. در همه این فیلم‌های میلانی، فرشته زنی مظلوم به تصویر کشیده شده است. این ویژگی بینامتنی، (Inter textuality) موجب همدلی بیشتر بیننده با این نقش می‌شود؛ به گونه‌ای که بیننده از همان ابتدای فیلم با فرشته همراه می‌شود. ترانه، فریده و نسرين، نام‌های دیگر شخصیت‌های زن در این فیلم‌اند که همه آنها نام‌های ایرانی و غیر مذهبی می‌باشند. نام مریم نیز اگرچه جزء نام‌های مذهبی به شمار می‌رود ولی گل مریم را نیز تداعی می‌کند.

ب. اجرا یا شیوه رفتار

از جمله اموری که به بازیگران در ایجاد خلق معنا در فیلم کمک می‌کند، اجرا و شیوه رفتار آنان است. در این فیلم، از یک جهت تفاوتی در رفتار شخصیت‌های مردان و زنان نبود و هر یک از آنان برای رسیدن به مقصود، با یکدیگر همکاری و همراهی می‌کردند؛ ولی تفاوت‌هایی هم بین رفتار مردان و زنان وجود دارد؛ از جمله اینکه شخصیت اول مرد، همیشه قلدر مآب رفتار می‌کند؛ در حالی که شخصیت اول زن و شخصیت‌های دیگر زن، همگی رفتاری آرام دارند. شیوه رفتار شخصیت مرد به گونه‌ای است که هیچ احترامی برای کسی قائل نیست؛ در حالی که شخصیت‌های زن به گونه‌ای نمایش داده می‌شوند

که ابتدائاً همیشه با احترام صحبت می‌کنند و بیننده احساس می‌کند که شخصیت زن احترام بیشتری برای او قائل است. در نتیجه، با شخصیت زن احساس همدلی بیشتر می‌کند؛ در حالی که چنین احساسی را با شخصیت مرد پیدا نمی‌کند.

رمزگان ایدئولوژی نقطه مرکزی (مفهوم اصلی)

مفهوم اصلی که کارگردان در تمامی این فیلم، به گونه‌ای می‌خواهد آن را به اثبات برساند، فمینیسم لیبرال است. از منظر فمینیسم لیبرال، زنان در وضعیتی تبعیض آمیز و نابرابر نسبت به مردان به سر می‌برند. (رودگر، ۱۳۸۸، ص ۷۰) به نظر لیبرال‌ها، تسلط مردان بر زنان، در قانون نهادینه شده است. (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۱۶۷) بنابراین، آنها توان خود را به منظور ایجاد و حمایت از فرصت‌های برابر برای زنان، از طریق قانون‌گذاری و دیگر روش‌ها و ابزار دموکراتیک صرف می‌کنند. پیشرفت‌های قانونی، مثل «قانون پرداخت برابر» و «قانون تبعیض جنسی»، به شدت مورد پشتیبانی فمینیست‌های لیبرال بود که استدلال می‌کردند برابری قانونی، اهمیت شایانی در حذف تبعیض بر ضد زنان دارد. (همان) در این فیلم نیز اشکال اصلی را به سمت قانون و آداب و رسوم می‌برد؛ که در ادامه توضیح خواهیم داد.

دسته‌بندی مفاهیم

ظالم بودن مردان در برابر مظلوم بودن زنان

کارگردان در این فیلم بسیار تلاش کرده است که اثبات کند در جامعه ایران، مردان به زنان ظلم می‌کنند؛ چنان‌که در فیلم حاج صفدر را به گونه‌ای نمایش می‌دهد که گویی از خرد شدن و به زانو درآوردن زنان لذت می‌برد و آن را جزئی از مردانگی خود می‌داند. خانم میلانی آنچه را که می‌خواهد به بیننده منتقل کند، به گونه‌ای اغراق شده نشان می‌دهد و مخاطب نمی‌تواند طور دیگری فکر کند و به شناخت متفاوتی برسد. فرشته در فیلم یادشده به قدری مظلوم و محق نشان داده می‌شود که تقریباً هیچ کس، حتی مردانی قدرت طلب چون خود حاج صفدر هم نمی‌توانند به خود اجازه دهند او را مقصر و سرکش بدانند. حتی در جاهایی که منطقاً حق با حاج صفدر است کارگردان به گونه‌ای بازنمایی کرده است که به مخاطب احساسی بر ضد مردان دست دهد؛ مثلاً در صحنه‌ای (دقیقه ۳۷) که حاج صفدر به فرشته می‌گوید: با مجید (پسر دوم حاج صفدر) ازدواج کن تا در این خانه بمانی، فرشته چنان واکنشی نشان می‌دهد که گویا پیشنهاد بی‌شرمانه‌ای به او شده است و این صحنه به گونه‌ای نمایش داده شده است که

مخاطب با فرشته همدلی و همراهی می‌کند؛ درحالی‌که پیشنهاد حاج‌صفر بسیار منطقی است و با شرع و عقل و عرف هم منافاتی ندارد. این فیلم تمام تلاش خود را به کار می‌برد تا به مخاطب بفهماند منظورش از ظلمی که به زنان می‌شود، فقط در حوزه زناشویی و خانوادگی نیست؛ بلکه در کل جامعه چنین دیدگاهی وجود دارد. جالب این است، در صحنه‌ای از فیلم (دقیقه ۴۹) که فرشته قصد دارد از دست پدرشوهر ظالم خود فرار کند، دوستانش به او پیشنهاد می‌دهند که از ایران برود و بلیط دبی را برای او می‌گیرند. این صحنه به‌گونه‌ای نشان داده شده است که این ظلم و ستم در حق زنان در ایران، وجود دارد و رفتن از ایران، یعنی رهایی از این ظلم؛ حتی دوستانش کشورهای سوئد و آلمان را به او پیشنهاد می‌دهند؛ زیرا آنجا هوای زنانی مثل او را دارند. در صحنه ابتدایی فیلم، نسرين علت اینکه پیش دوستانش می‌آید را چنین می‌گوید: «او مدم رنجی رو که توی خونه، توی جامعه می‌کشم با گفتن دو تا جوک فراموش کنم.» به همین دلیل، همه زنان فیلم به دنبال حقوق ضایع شده خود هستند؛ چنان‌که در صحنه‌ای (دقیقه ۱۶) که ترانه به خانه رفت تا وسایل خود را جمع و خانه را ترک کند، دختر او نیز بر ضد پدرش است و از مادرش با لحنی التماس‌گونه درخواست می‌کند: «مامان دیگه برنگرد؛ خواهش می‌کنم برنگرد. مامان این دفعه جلوش ایستا. نگران ما هم نباش.» به عبارت دیگر، چنان ظلم مردان بر زنان در جامعه ایران کلیشه شده است که دختری با این سن و سال نیز آن را درک می‌کند.

مقابله با قوانین و احکام اسلام

فیلم «واکنش پنجم» بر اساس ماده حقوقی‌ای پیش رفته است که اصلاً و جاهت ندارد. کارگردان و عوامل فیلم، بدون اینکه فهم درستی از قوانین کشور داشته باشند، فیلمی را تهیه می‌کنند و آن را در سراسر کشور ترویج می‌نمایند که در آن چنین وانمود می‌شود که چون مادر توانایی مالی کمی دارد، حق حضانت فرزند با پدر بزرگ اوست. به همین دلیل، وکیل در فیلم به صراحت می‌گوید: «امیدوارم پدرشوهرت از حق قانونی خود استفاده نکند.» همچنین می‌گوید: «در حال حاضر، پدرشوهرت نمی‌تواند فرزندان را ازت جدا کند؛ مگر اینکه در دادگاه ادعا کنه که شما توانایی مالی رو ندارید؛» درحالی‌که طبق قانون مدنی، ماده ۱۱۷۳، حق حضانت بعد از فوت پدر با مادر است و در صورتی از او گرفته می‌شود که صحت جسمانی و تربیت اخلاقی طفل در خطر باشد؛ این قوانین در سال ۱۳۶۰ مصوب شده است مثلاً مادر فرزند را کتک بزند یا مشکل اخلاقی داشته باشد؛ (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ص ۱۶۸) درحالی‌که در فیلم، هیچ‌یک از این امور مطرح نیست و پدرشوهر فرشته هم ادعایی در این باره ندارد؛ بلکه تنها برای اینکه می‌خواهد سایه خودش بالای سر دو فرزند عزیزترین پسرش باشد، قصد

دارد آنان را از مادرشان جدا کند. در نتیجه، در این فیلم حاج‌صفر حق قانونی هم نداشت که فرزندان را از مادرشان بگیرد؛ ولی چون ولی آنان است، باید از نظر مالی از آنان حمایت کند. متأسفانه این فیلم با اشتباه جلوه دادن قوانین کشور - که اکثراً برگرفته از فقه و حقوق اسلامی اند - به دنبال منفی نشان دادن قوانین و احکام اسلامی است. نویسنده و کارگردان فیلم، چنان به دنبال ظالم نشان دادن مردان این جامعه است که از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کند تا قوانین کشور را به نفع زنان و به ضرر مردان تغییر دهد. در صحنه‌های دیگر از فیلم نیز این امر را می‌بینیم. در صحنه‌ای دقیقه (۱۳) فریده می‌گوید: «بارها از خودم پرسیدم، واقعاً این قانونی که به مردها اجازه ازدواج مجدد می‌دهد هیچ وقت توان و ظرفیت و احساسات من را به‌عنوان یک زن در نظر گرفته یا نه.» نسرين نیز در جواب او می‌گوید: «خب معلومه که نه؛ چون اون کسی که این قانون رو نوشته، خودش هم یک مرد بوده.» در اینجا نیز قانون را ناقص بیان می‌کند؛ چراکه ازدواج مجدد از نظر اسلام و قانون، شرایطی دارد. کارگردان در این فیلم به‌صورت کاملاً احساسی و غیرعلمی به مقابله با قوانین و احکام اسلامی برمی‌خیزد و وانمود می‌کند که احکام اسلامی ظرفیت زنان را در نظر نگرفته و دینی مردسالار است. در صحنه‌های آخر فیلم، زیرمدینه که تلاش می‌کند نگذارد فرشته از فرزندانش جدا شود، به مأمور زندان می‌گوید: «وقتی این قانون رو نوشتند، از نه‌ها هم چیزی پرسیدند؟». این جمله زمانی است که فرشته مظلومانه در زندان گرفتار است و بینندگان در غم ظلمی که فرشته در آن گرفتار شده است، می‌سوزند؛ در نتیجه موجب می‌شود که ظالم بودن قوانین، در ذهن مخاطب نهادینه شود.

قانون‌گریزی مردان

خانم میلانی فقط به تغییر قوانین کشور به‌ضرر مردان بسنده نمی‌کند؛ بلکه در صحنه‌های مختلف فیلم نیز نشان می‌دهد که مردان به قانون کشور هم پایبند نیستند. حاج‌صفر در این فیلم کاری به قانون کشور ندارد. فرشته در صحنه‌ای می‌گوید: «پدرشوهر من کسی نیست که پای منو به دادگاه بکشونه. برایش کسر شأنه. اون قوانین خاص خودش رو داره. خودش، خودش رو یک پا قانون می‌دونه.» نتیجه‌ای که کارگردان از این فیلم می‌گیرد این است که هرچند قوانین را مردان نوشته‌اند و قوانین به نفع آنان است، ولی آنها باز هم به همین قوانین پایبند نیستند و خود را بزرگ‌تر از قانون می‌دانند و انجام قانون کشور را برای خود کسر شأن می‌دانند. جالب اینجاست که خلاف قانون را در واقع فرشته انجام می‌دهد که بدون اجازه ولی فرزندان، آنها را از شهر محل سکونتشان خارج می‌کند؛ ولی در فیلم، داستان را به‌گونه‌ای به تصویر می‌کشد که این مردانند که خلاف قانون عمل می‌کنند و زنان به دلیل

اینکه قوانین به‌ضرر آنهاست و احساسات آنها را در نظر نگرفته است، راهی جز فرار ندارند؛ یعنی مشکل، از زنان داستان نیست؛ بلکه مشکل همان قوانین مردسالارانه است و زنان اسیر قوانین‌اند.

سرایت دادن مشکلات به فرهنگ اسلامی - ایرانی

از جمله اموری که در این فیلم اهمیت دارد این است که حاج‌صفدر که فردی خودخواه، لج‌باز، سخت‌گیر، خشن، انعطاف‌ناپذیر و قدرتمند نشان داده می‌شود، نماد مردی است که در فرهنگ این کشور بزرگ شده و زندگی کرده است؛ چنان‌که خود حاج‌صفدر در صحنه‌ای (دقیقه ۲۱) به صاحب مزرعه که در فرهنگ غرب بزرگ شده و طرف‌دار فرشته است، می‌گوید: «بین! تو مهندسی و در غرب بزرگ شدی. منو سَنَه‌نه؟ ما رسم و رسوم خودمون رو داریم.» صاحب مزرعه در جواب می‌گوید: «یعنی می‌خوای بگی حاجی، کسایی مثل من که از اونور اومدیم، آدم نیستیم.» حاجی می‌گوید: «چه می‌دونم. فرقه دیگه. فرق زیبونه؛ فرق آداب و رسومه؛ فرق تفاوت فرهنگ‌ها.» در این صحنه چنین وانمود می‌شود که فرهنگ کشور ایران به‌گونه‌ای است که مردانش کسایی مثل حاج‌صفدر می‌شود. این فرهنگ است که حاج‌صفدر را مردی مغرور و خشن و... کرده است و مهربان و خوب بودن صاحب مزرعه هم به این دلیل است که در این فرهنگ بزرگ نشده است. در صحنه‌ای که هم ترانه از شوهر خود تعریف می‌کند، مریم به او می‌گوید: «به جوری از شوهراتون تعریف می‌کنید که انگار مال این مملکت نیستند؛ از کره مریخ اومدند!» یعنی محال است در این کشور مردی پیدا شود که آقا، مهربان و خوش‌تیپ باشد. اصلاً علت اینکه هر پنج زن در این فیلم، از زندگی خود شکایت دارند، اما نمی‌توانند طلاق بگیرند، این است که آنان نمی‌توانند از مردان و زندگی‌شان شکایت کنند و یا طلاق بگیرند؛ چراکه نمی‌توان از فرهنگی شکایت کرد یا طلاق گرفت و با طلاق از یک نفر، مشکلاتشان حل نخواهد شد؛ چون مشکل از یک یا دو مرد نیست؛ مشکل فرهنگ جامعه است. به همین دلیل تلاش می‌کنند که با کمک به فرشته، به مردسالاری حاکم و غالب اعتراض کنند. در صحنه‌ای دیگر (دقیقه ۷۱) وقتی فرشته و ترانه شب در کنار یکدیگر دراز کشیده‌اند و درددل می‌کنند، فرشته درباره ازدواجش با سعید می‌گوید و اینکه حاج‌صفدر مخالف بود و بعد از پنج سال پسرش را بخشید، ولی من را نبخشید. او به ترانه می‌گوید: «می‌دونی ترانه! همیشه فکر می‌کنم که دارم انتقام یک کینه ده ساله را پس میدم.» ترانه می‌گوید: «شاید هم هزارساله. پدر من هم مثل پدرشوهر تو بود. یه آدم دیکتاتور و لج‌باز که همش می‌گفت صلاح شما را می‌خوام... بازم برو خدا رو شکر کن که چند سال زندگی با عشق رو تجربه کردی. من چی بگم که حتی یک روز زندگی با عشق رو نداشتم و دو تا بچه هم دارم.» در این سکانس، با صراحت می‌گوید

که چنین مردانی در این سرزمین، محصول فرهنگ سنتی این کشورند. فرهنگ سنتی این کشور، تلفیقی از فرهنگ اسلامی و ایرانی است. حال این پرسش پیش می‌آید که آیا فرهنگ اسلامی - ایرانی، بی‌مهری، بی‌محبتی، لج‌بازی، خودخواهی، بی‌عاطفه بودن، سخت‌گیری و... مردان را تأیید می‌کند؟ در کجای فرهنگ اسلامی آمده است که مرد باید این‌گونه باشد؟ البته ما منکر وجود چنین مردانی در تاریخ نیستیم. قطعاً چنین مردانی وجود داشته‌اند؛ ولی آیا این مردان فقط در این کشور بوده‌اند؟ آیا این مردان به دلیل بزرگ شدن در این فرهنگ دارای این ویژگی‌ها شده‌اند؟ بعد از بعثت پیامبر اکرم ﷺ و نفوذ اسلام در ایران، به‌مرور زمان فرهنگ اسلامی در تمامی مردمان این سرزمین غلبه یافت و الگوی همه مردم این کشور شد. اسلامی که پیامبر آن، بهترین مردان را کسانی می‌داند که پرهیزکار، پاک‌دل، مهربان، با‌محبت، دست‌ودل‌باز، خوش‌رفتار، خوش‌خلق و... باشند. حال، خانم میلانی چگونه اعتقاد دارد که از دل این فرهنگ، فقط مردانی همچون حاج‌صفدر بیرون می‌آید؟ متأسفانه کارگردان که شناختی از این فرهنگ ندارد، آگاهانه یا ناآگاهانه فرهنگ اسلامی - ایرانی را در ذهن بیننده مخدوش می‌کند.

قدرت نامرئی مردان

از دیگر مواردی که کارگردان بسیار تأکید داشت در این فیلم به آن پردازد، این بود که مردان بسیار قدرتمندند. وقتی که حاج‌صفدر به‌دنبال عروسش می‌رود، او دارای چنان قدرتی است که انگار کل کشور در دست اوست تا فرشته را به دام بیندازد. حاجی و مردان او از چنان قدرتی برخوردارند که به‌کمک یک دوست سرهنگ نامرئی، می‌توانند تمام خطوط تلفن و موبایل دوستان فرشته را کنترل کنند و راه خروج از کشور را برای او ببندند. کاری که شاید فقط نیروهای اطلاعاتی کشور اجازه انجام آن را دارند. حاجی بسیار سریع شماره ماشین ترانه را به دست می‌آورد و محل اقامت او را ردیابی می‌کند. متأسفانه این فیلم به هر چیزی چنگ می‌زند تا نشان دهد که این کشور در دست مردان است و آنها از حاج‌صفدر حمایت می‌کنند؛ کسی که از خرد شدن و به زانو درآوردن زنان لذت می‌برد و آن را جزئی از مردانگی خود به شمار می‌آورد. شاید اطلاق لغت ضعیفه برای زنان از سوی حاج‌صفدر، به‌گونه‌ای می‌خواهد قدرت‌نمایی مردان را ثابت کند. در پایان فیلم، حاج‌صفدر به زیرمدینه می‌گوید: «من نمی‌خوام (فرشته) با جون کندن و کلفتی، بچه‌های منو بزرگ کنه.» زیرمدینه در جوابش می‌گوید: «تو خدایی که می‌خوای تکلیف معلوم کنی؟ یعنی مردان چنان قدرتمند هستند که زیرمدینه آنها را به خدا تشبیه می‌کند. (نعوذ بالله)

مفاهیم به حاشیه رانده شده

در این فیلم نیز مفاهیمی همچون آزار ندادن، حفظ شأن اجتماعی زن، خوش رفتاری، خوش اخلاقی، و داشتن روابط حسنه به حاشیه رفته، و مفاهیمی چون سخت گیری، خودخواهی و لجبازی پررنگ شده است. در جدول شماره ۳، شخصیت مرد در فیلم «واکنش پنجم» با فرهنگ اسلامی و اشعار سعدی مقایسه شده است.

جدول ۳. تطبیق ویژگی های شخصیت مرد در فیلم واکنش پنجم با فرهنگ اسلامی

مرد در فیلم واکنش پنجم	مرد در فرهنگ اسلامی	مرد در اشعار سعدی
آزاردهنده	آزار ندادن	همدم بودن
بددل	پاک دل	غیرت مناسب
ظالم	پناهگاه زن	مراقبت از زن
بی عاطفه	مهر و محبت	عشق و فداکاری
خودخواه	مهربان	مهربان
اخم کردن	در هم نکشیدن چهره	روابط حسنه
فریاد زدن	فریاد زدن	مهربانی
غیرت بی جا (سخت گیری)	غیرت مناسب	غیرت مناسب
بی مسئولیت	قوامیت	رئیس خانه

نتیجه گیری

با توجه به مباحثی که مطرح شد، چند نتیجه می توان گرفت:

۱. فرهنگ اسلامی - ایرانی فرهنگی غنی است و الگوی مناسبی درباره شخصیت مرد بیان کرده است.
۲. دو بعد اسلامی و ایرانی فرهنگ جامعه اسلامی ایران، بسیار به یکدیگر نزدیک اند؛ به گونه ای که می توان گفت: به سختی می شود این دو را از یکدیگر تفکیک کرد؛
۳. متأسفانه تولیدکنندگان سینما، توجهی به فرهنگ اسلامی - ایرانی ندارند و مشخص است که دیدگاه های خود را از نظریات و افکار فمینیستی گرفته اند.

منابع

نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.

امید، مسعود (۱۳۸۱)، *درآمدی بر فلسفه اخلاق*، تبریز، دانشگاه تبریز.

باغستانی، محمد، «زن و سینما در غرب» (۱۳۷۹)، در: *مجموعه مقالات همایش زن و سینما*، تهران، سفیر صبح.

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، *در سنامه فلسفه اخلاق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

خسروشاهی، قدرت الله و مصطفی دانش پژوه (۱۳۸۱)، *فلسفه حقوق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

رودگر، نرجس (۱۳۸۸)، *فمینیسم: تاریخچه، نظریات، گرایش ها، نقد*، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

رهبان معظم انقلاب (۱۳۳۳/۹/۴)، *پیام به مناسبت بزرگداشت سعدی*، سایت دفتر حفظ و آثار آیت الله خامنه ای.

سبحانی، محمدتقی (۱۳۸۵)، *الگوی جامع شخصیت زن مسلمان*، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۵ق)، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، قم، حیدریه.

فیسک، جان، «فرهنگ تلویزیون» (زمستان ۱۳۸۶)، ترجمه مؤگان برومند، *ارغنون*، ش ۱۹، ص ۱۲۵-۱۴۳.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۲)، *حقوق مدنی خانواده*، تهران، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا.

گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۶)، *کلیات و مقدمه علم حقوق*، تهران، مجد.

گلی زواره، غلامرضا، «جامعه ایرانی و فرهنگ اسلامی» (آذر و دی ۱۳۸۶)، *دیدار آشنا*، ش ۸۷، ص ۱۸-۲۰.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، *جامعه شناسی*، ترجمه حسن جاوشیان، تهران، نی.

محمدی، محمدهادی و علی عباسی (۱۳۸۰)، *صد ساختار یک اسطوره*، تهران، چيستنا.

مصباح، محمد تقی (آیت الله) (۱۳۷۷)، *حقوق و سیاست در قرآن*، نگارش محمد شهبابی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

معین، محمد (۱۳۸۴)، *فرهنگ فارسی معین*، چ دوم، تهران، گلی.